

# توطئه و تحریریات آمریکا و پاکستان رادر سیستان و بلوچستان افشاوختی کنید

ایادی آنها، ایادی آمریکا، آن کسانی که منافعیان در منطقه بخطر افتاده و بخصوص برای شاعران بکنم که ما رد پای بختیار را هم در این طرف دیدیم» (جمهوری اسلامی - ۴ آذر ۵۹).

چنانکه در بالا متذکر شدیم، رژیم دیکتاتوری پاکستان، فرمان امریکا، در فعالیت‌های ضدانقلابی در بلوچستان و سیستان، که هدف غایی آن اجرای نقشه تجزیه قسمتی از خاک ایران، تشکیل باصطلاح یک «دولت آزاده» و استفاده از آن، بعنوان سرپای برای براندازی رژیم انقلابی ایران است، نقشی ویژه بازی میکند.

انتخاب رژیم وابسته و دیکتاتوری پاکستان برای ایفای این نقش ضدانقلابی بیچیزی تصادفی نیست. پاکستان مدتهاست که به یکی از مهمترین پایگاه‌های فعالیت خرابکارانه امپریالیسم آمریکا و همپیمانان چینی آن علیه کشورهای منطقه تبدیل شده است. لذا، این خبر که صندوق بین‌المللی پول نیز تصمیم گرفته است که معادل یک میلیارد و شصت میلیون دلار وام به دولت پاکستان اعطاء کند، با وجود بیسابقه بودن رقم فوق، شکفتن انگیز نیست. ضیاء الحق این یک میلیارد و شصت میلیون دلار را در ازای خوش‌خدمتی دریافت میدارد، که رژیم وی در افغانستان، هندوستان و ایران برای اربابان آمریکائیش انجام میدهد. چه، همه کس میداند که صندوق بین‌المللی پول، با وجود عنوان بقیه در صفحه ۲

از نقشه براندازی انقلاب و جمهوری نوپای ما برداشته است، بلکه همچنان خشمکین از ناکامی مزدوران عراقیش و مصمم به پیشبرد هدفهای پلیدش - دسیسه‌های جدیدی را تدارک می‌بیند.

همانگونه که چندروز پیش نیز هشدار دادیم، چنین می‌نماید که اینک سیستان و بلوچستان جولانگاه ضدانقلابیون خارجی و داخلی شده است، برپایه اخبار رسیده از این منطقه، خان‌ها، فئودالها، ساواک‌ها، مائوئیست‌ها و سران جمعیت‌های ضد-انقلابی افغانی، یا کمک جاسوسان عربستان سعودی و بویژه عمال دولت پاکستان، که سرنخ همه آنها در دست آمریکاست، دامنه فعالیت خود را گسترش داده‌اند.

آقای محمدی، استاندار سیستان و بلوچستان، پس از ملاقات با امام خمینی، گفت: «استان سیستان و بلوچستان یکی از مناطق بسیار حساس است، و از طرفی ضدانقلاب نیز سعی بسیار کرده تا برنامه‌ای در این منطقه اجرا کند... ما این را یک مسئله کوچکی تلقی نمی‌کنیم. من مطمئن هستم و یقینا با اطلاعاتی که در اختیار دارم، می‌دانم این یک جزئی از برنامه کلی ضدانقلاب داخلی و خارجی است و مخصوصا در این شرایط که سعی میکنند سر ما را در جای دیگر هم گرم نگاه دارند، در این بین که دولت بعضی جنایتکار عراق در غرب مشغول قلع و قمع است و بر روی مردم بی دفاع و بی گناه برب می‌ریزد، اینجا هم

پس از شکست آشکار هدفهای سیاسی جنگ آمریکا فرموده دارودسته صدام حسین علیه جمهوری اسلامی ایران، امپریالیسم آمریکا بیچیزی دست

**در ۲ روز گذشته:**  
**رزمندگان انقلاب، در تمام جبهه‌ها تلفات سنگینی به دشمن متجاوز وارد آوردند**

صفحه ۲



دوره هفتم، سال دوم، شماره ۳۸۴  
سه شنبه ۱۱ آذر ۱۳۵۹، مطابق با  
۲۳ محرم ۱۴۰۱، بهای: ۱۵ ریال

## جلوگیری از گرانی و احتکار

فقط با کوتاه کردن دست سرمایه داران وابسته، از راه اجرای اصل ملی کردن بازرگانی خارجی و ایجاد بخش دولتی و تعاونی توزیع امکان پذیر است

کاهی در یک هفته دو برابر می‌شود، می‌پردازند. ولی در مقابل این مردم زحمتکش و مستضعف، طبقات و اقتدار سرمایه دار وابسته و بازرگانان بزرگ و محتکرین و دلان و واسطه‌ها، در جنگ و فداکاری شرکت نمی‌کنند که هیچ، با سوء استفاده از مشکلات مولود جنگ، با تشدید احتکار و کیبود و گرانی، خون همان مردم فداکار را هم می‌کنند و برای خود میلیارد - میلیارد سود اضافی هم بدست می‌آورند.

سرمایه داران وابسته، بازرگانان بزرگ و دلانها و واسطه‌ها و محتکرین، که عوامل تشدیدکننده کمبود کالا و سرعت دهنده گرانی بوده‌اند و هستند، تاکنون ضربات سنگینی به اقتصاد کشور و زندگی زحمتکشان زده‌اند. آنها از جنگ تحمیلی هم سوء استفاده کرده‌اند و از جیب زحمتکشان، جیب خود را پرتر کرده‌اند. اگر این وضع ادامه یابد، یعنی دست این غارتگران کوتاه نشود، عواقب هلاکت - باری بدنیال خواهد داشت. در این زمینه نیز، مانند همه زمینه‌های دیگر، انقلاب و ضد-انقلاب، خلق و ضدخلق، اسلام راستین انقلابی و تظاهر دروغین به اسلام، با صراحت و روشنی هرچه بیشتری از هم متمایز شده‌اند: مردم زحمتکش و مستضعف، یعنی وارثان اصلی زمین و صاحبان حقیقی این خاک و بوم، هم در سنگر دفاع از انقلاب و جمهوری اسلامی ایران جان برکف نهسته‌اند و هستی خود را فدای استقلال و آزادی و جمهوری اسلامی ایران می‌کنند و هم در پشت جبهه همه مشکلات را بزرگوارانه تحمل می‌نمایند و از آنجمله قیمت احتکاری تصنیی کالاهای ضروری زندگی را، که

**سفیر لیبی در ایران:**  
**ما با تمام قوا از انقلاب ایران جانبداری میکنیم و تمام امکانات خود را در اختیار این انقلاب قرار میدهیم**

بقیه در صفحه ۲

«بسیار دوست داشتیم که شما هم زهرا را میدیدید که با ازدست دادن ۱۴ تن از عزیزان خود، چگونه با ۳- در برابر توپهای دشمن، اندام را راست میکرد و میگفت: «۱۴ کشته داده‌ام. برادر میخواست عروسی کند، او هم کشته شد. تنها یک خواهر ۵ ساله‌اش زنده است. آنهم مهم نیست. من حاضر نیستم شهرم را بدست دشمن رها کنم.» (از نامه دختران عضو حزب توده ایران در خونین‌شهر و آبادان، مندرج در نامه «مرد» ۱۸ آبان ۱۳۵۹)

احسان طبری

## نامه‌ای به زهرا

دختر ایران، زهرا! ز پیامی که رسید لرزه افتاد بجان همه هم‌زمانت. خاندان تو گر امروز فتادند شهید جمعی آماده که گردند بلاگردانت.

که پرستاری، گه یار یتیمی، گه نیز ژ-۳ پر دوش به‌رزمی و نمایی عاقل. آفرین پرتو که جنگنده‌ای و خصم ستیز در خط اول این جبهه حق و باطل.

بپردها یابی فردا ز سپاس همگان اگر امروز ز آسوده دلی بی‌بهری. به تو ای دخت کند فخر سراسر ایران گر به آبادان، یا اینکه به خونین شهری

تو. همانی که ز نیرو و غروری که تورا است باسارت بپمه هستی خود تن ندهی. رنج سنگرکشی و پشت به هیجا تکنی جان شیرین دمی و شهر به دشمن ندهی.

گر برادر نتوانست که داماد شود فتح ایران چو عروسی است که زبندۀ اوست. خواهر کوچک تو نوگل دردانه ماست دل ما روشن از اختر تابنده اوست

رزم‌کن زهرا، ای لاله پر داغ جنوب دیدگان همه در ماتم تو خونپلاست نامت الحق چه غرورآور و زیبا نامی است نام هر دختر رزمنده ایران زهراست

آبان ۵۹

## به حمایت از روحانیت مبارز

بازاریان تهران، مشهد و قم بازارها را تعطیل کردند

بازاریان شهرهای مختلف انزجار خود را از «خط مقابل» خط امام اعلام داشتند.

کرده بودند، ابراز داشتند. تظاهر کنندگان باشمارهای کوبنده خود «خط مقابل» خط امام را به شدت محکوم کردند.

مشهد

صبح دیروز در مشهد نیز بازار رضا و قسمت اعظم بازار خسروی این شهر بحال تعطیل درآمد و علت تعطیل، محکوم کردن گروههای مقابل خط امام اعلام شد. بقیه در صفحه ۲

مسجد امام حسن عسکری (ع) اجتماع کردند. همچنین در اجتماع که در قم بخاطر تشییع جنازه ۴ تن از شهدای انقلاب تشکیل شده بود، هزاران نفر، که از گروههای مختلف مردم قسم، اعضای سپاه پاسداران، بسیج مستضعفین و طلاب علوم دینی تشکیل شده بودند، اعتراض شدید خود را نسبت به حرکات ضدانقلابی عده‌ای معزود، که در مشهد بر ضد روحانیت حرکت

دیروز صبح بازاریان شهرهای تهران، قم و مشهد به حمایت از روحانیت مبارز و متعهد و برای محکوم کردن تلاشهایی که برای تضعیف خط امام می‌شود، اقدام به تعطیل بازارها و برپایی راه-پیمایی و تظاهرات کردند. در قم، همراه با بازاریان این شهر، از اولین ساعات باامداد دیروز صبح، درحالیکه شهر قم یکپارچه تعطیل بود، دست به راهپیمایی باشکوهی زدند و در

## امریکا برای نپذیرفتن پیشنهاد ایران درباره «گروگانها» بهانه تراشی میکند

جاسوسانش در ایران را بیک مسئله عظیم بین‌المللی مبدل کند، تاکنون نه فقط عجله‌ای در بازرس گرفتن آنها ندارد، بلکه هر روز بهانه‌های می‌تراشد و موضوع را به تاخیر می‌اندازد. یک روز ماسکی وزیر خارجه آمریکا میگوید: «هنوز بسیاری از مسائل باید روشن شود». در- بقیه در صفحه ۲

پیشنهاد ۴ ماده‌ای کمیسیون ویژه بررسی مسئله جاسوسان آمریکایی از سوی مجلس شورای اسلامی ایران میگذرد. فردای روز تصویب نیز این پیشنهاد توسط سفارت جمهوری دموکراتیک خلق الجزایر در واشنگتن به وزارت خارجه آمریکا تسلیم شد. اما دولت آمریکا که تلاش فراوانی داشت مسئله «گروگانگیری»

آدم است و نتیجتا مردم به این قضاوت بنشینند که آیا گروگان-گیری برای ما آنقدر اهمیت داشت که ما این چنین تلفات و صدماتی بدهیم؟ و این خط امریکاست... آمریکا برای ۵۰ انسان نیست که دست به توطئه علیه ما می‌زند، بلکه ما با آمریکا تضاد اصلی و غیرقابل حل داریم». نزدیک به یک ماه از تصویب

نایب رئیس مجلس شورای اسلامی ایران، حاجت‌الاسلام موسوی خوئینی‌ها، در مصاحبه با روزنامه اطلاعات متذکر شد: «این از شیطنت‌های خود آمریکاست که میخواهد با تبلیغات در ایران توسط ستون پنجم خود، به مردم بگوید تمام این مشکلاتی که شما درگیر هستید از جانب همین پنجاه نفر

**برای مبارزه با امپریالیسم آمریکا، دشمن اصلی مردم ایران، متحد شویم!**

### در ۲ روز گذشته:

## رزمندگان انقلاب، در تمام جبهه‌ها تلفات سنگینی به دشمن متجاوز وارد آوردند

خبرگزاری پارس در تماس با يك مقام آگاه نظامی اهواز گزارش داد که روز یکشنبه رزمندگان هوانیروز، توپخانه و یگانهای لشکر ۹۲ زرهی اهواز، در جبهه‌های فارس، آب‌تیمور، سیتامیه، سوسنگرد و کوه‌های الله اکبر موفق شدند تلفات فراوانی به دشمن وارد سازند. در این عملیات ۸ دستگاه تانک، ۱ دستگاه نفرین، ۳ عراده توپ، یک خودرو، دو سنگر و یک لودر دشمن نابود شد و ۳۷ تن از متجاوزین کشته و مجروح شدند. واحد مرکزی خبر از اهواز گزارش داد که چنانچه کارکنان صدام مناطق مسکونی شهر اهواز را از ساعت ۱۵ تا ۱۷ یکشنبه مورد حمله قرار دادند که در نتیجه ۱ تن از اهالی اهواز شهید شد و ۵ تن دیگر مجروح شدند. دفتر مرکزی خبر، به نقل از ستاد عملیات آبادان و خونین‌شهر، اعلام کرد که از صبح یکشنبه تا ساعت ۲۳:۲۰ دقیقه، نبرد توپخانه بین ارتش جمهوری اسلامی ایران و متجاوزین در شمال شرقی پل بهمنشهر - پل ارتباطی خونین‌شهر - آبادان - و شمال کوی نوالفتاری ادامه داشته است. پس اساس همین گزارش در اثر حملات کشتی‌های مدافع انقلاب، تلفات سنگینی به دشمن وارد شد. در این درگیریها ۴ تن از برادران پاسدار مجروح شدند. خبرگزاری پارس موقعیت این جبهه‌ها را در روز یکشنبه چنین گزارش داد: مبادله آتش در طول جبهه‌های آبادان به شدت ادامه داشت و شدت این درگیریها در جبهه‌های غرب و فیاضیه از سایر مناطق شدیدتر بوده است. در منطقه شمال غربی ۳ سنگر دشمن با نفرات آن نابود شد و همچنین مزدوران صدام در محور جاده آبادان - ماهشهر حالت تدافعی بخود گرفتند که ناشی از ضعف شدید آنان بوده است. گزارش خبرنگار خبرگزاری پارس حاکیست که مبادله آتش بین مدافعان انقلاب و جمهوری اسلامی ایران در بخش شرقی خونین‌شهر و متجاوزین مستقر در قسمت غربی به شدت جریان داشته، که طی آن تلفاتی به مزدوران صدام وارد شده است. به گزارش خبرنگار پارس در روز یکشنبه در جبهه‌های آبادان و خونین‌شهر ۳ تن از مدافعان انقلاب شهید و بیش از ۲۰ تن زخمی شدند. خبرنگار خبرگزاری پارس از جبهه ایلام، از خط مقدم جبهه، در ارتفاعات شورشیرین و نخلستان گزارش داد که نبرد میان مدافعان انقلاب و متجاوزین از ساعت ۳

### آمریکابرای...

بقیه از صفحه ۱  
صورتیکه پیشنهاد داده‌ای ایران بسیار صریح و روشن است: «عدم دخالت مستقیم و غیرمستقیم سیاسی و نظامی در امور ایران» خواستی است کاملاً روشن و فطرتاً برای امپریالیسم تجاوزکار آمریکا، که دخالت در امور دیگران جزء سرشت آنست، می‌تواند بهانه‌ای جهت کش دادن موضوع باشد و یا آزاد گذاشتن اموال و داراییهای ایران، لغو تصمیمات و اقدامات اقتصادی و مالی علیه ایران، بازپس دادن اموال غارت شده توسط شاه ملعون و وابستگانش به ایران، همه بسیار روشن است. در مقابل قاطعیت توده‌های مردم و رهبر انقلاب در تصمیم به قطع ریشه‌های سلطه امپریالیسم و تامین استقلال و آزادی واقعی کشور، مقامات دولتی آمریکا و بدنبال آنها امپریالیسم خیری، می‌گویند که گویا، در اصول با پیشنهادهای ایران مخالفتی ندارند. اما... از نظر قوانین آمریکا گویا «موانع حقوقی» در سر راه اجرای بعضی از مواد چهارگانه وجود دارد در صورتیکه اگر موافقت وجود داشته باشد، در آنصورت تصمیمات و اقدامات دولتی آمریکا علیه ایران است و فقط با تصمیم و اقدام دولت آمریکا هم می‌تواند از میان برداشته شود. رسانه‌های گروهی و مطبوعات امریکاتی کار را بجای رسانده‌اند که مسئله تحویل یا عدم تحویل جاسوسهای «گروگان» از جانب

دانشجویان مسلمان پیرو خط امام به دولت جمهوری اسلامی ایران را به بحث و گفتگو گذاشته‌اند، یعنی مسئله‌ایکه مستقیماً مربوط به مقامات دولتی و مسئول این کشور است و هیچ ربطی به دولت آمریکا ندارد. اگر دولت آمریکا پیشنهادهای ایران را بپذیرد اجرا گذارد، چنانکه مقامات مسئول جمهوری اسلامی ایران به دفاتر متذکر شده‌اند، همانروز هم جاسوسهای «گروگان» آزاد خواهند شد. برای مردم بیدار دل و رزمنده ایران هیچگاه تردیدی وجود نداشته است که «امپریالیسم آمریکا ایران را می‌خواهد، نه گروگانها» راه، و اقیانیت سرسخت زندگی، تلاشهای هواداران و مجریان «خط برزیل‌سکی» در ایران را هر روز بیشتر و بیشتر و رسوا می‌کند. اسناد فراوان، از جمله اعترافات صریح سفیر آمریکا در ایران سولوان، نشاندهنده که امپریالیسم آمریکا مدتها پیش از «گروگان» گیری» به طرح و اجرای توطئه‌های گسترده‌ای علیه انقلاب ایران دست زده بود. هرچه روند تداوم انقلاب در جهات ضد امپریالیستی و خلقی خود بیشتر رفت، بهمان اندازه نیز توطئه‌های امپریالیسم، بسرکردگی امپریالیسم آمریکا، علیه انقلاب گسترده‌تر، و قیحانه‌تر و شدیدتر شد، تا به تجاوز نظامی رژیم مزدور صدام تکریتی منجر گردید. نایب‌رئیس مجلس شورای اسلامی، حجت‌الاسلام موسوی خوینی‌ها، بدستی این موضوع را روشن کرد که: «جنگ ربطی به گروگان» گیری ندارد و این جنگ تحمیلی به آمریکا ارتباط دارد، چرا که اوست که عراق را تحریک می‌کند و هم او نیز منافع این جنگ را می‌برد... چطور ۶۵ هزار شهیدی که در ایران کشته شدند برای آمریکا ارزشی نداشت؟ چگونه چندین هزار آمریکائی را دولت آمریکا در ویتنام بکشتن داد؟ پس معلوم است گروگانها هیچ ارزشی از نظر انسانی برای آمریکا ندارند و اگر ما گروگانگیری نکرده بودیم، اما موضع ما همان موضع امام باشد، که توی دهن آمریکا می‌زدند، مسلماً آمریکا علیه ما توطئه می‌کرد. بنابراین جنگ و گروگانگیری ربطی به هم ندارند و کسانی که می‌خواهند این دو مساله را بهم ربط دهند درست در خط آمریکا هستند... آنها کسانی هستند که می‌خواهند اوقیت‌ها مطرح نشوند و غیره اوقیتها مطرح باشند. اما اوقیت اینست که ماهیت این انقلاب آمریکا را وادار به تحریک علیه آن کرده است».

### توطئه و تحریکات...

بقیه از صفحه ۱  
پرطمطراق خود، جز ابزار «والاستریت» نیست. اواخر مرداد ماه اسما، خیرگزاریه، بنقل از يك سخنگوی «پانک آمریکا»، گزارش دادند که دولت پاکستان، بموجب موافقت‌نامه‌ای که در لندن امضاء کرد، مبلغ ۲۰۰ میلیون دلار از بانک‌های امپریالیستی وام دریافت خواهد داشت... خیرگزاری پارس در آنتیکام این مبلغ را «تطمین» ترین کمک مالی خواند، که تا آنوقت در اختیار پاکستان قرار گرفته بود. وام صندوق بین‌المللی پول، که هشت برابر «وام لندن» است، بر اهمیت فزاینده‌ای دلالت میکند که امپریالیسم آمریکا و دیگر دستیاران تجاوزکارش برای نقش خرابکارانه رژیم ضیاءالحق در منطقه قائل هستند. رژیم پاکستان ماهیست که جنگ اعلام نشده‌ای را علیه جمهوری دمکراتیک خلق افغانستان آغاز کرده است و با تعلیم و تجهیز اشترار ضد انقلابی افغانستان، در راه پیشبرد نقشه‌های «پن‌تاکون»، مبنی بر براندازی رژیم انقلابی آن کشور، کاپر می‌دارد. «کتاب سبز» دولت افغانستان، که چند روز پیش بعنوان سند رسمی در مجمع عمومی سازمان ملل متحد منتشر شد، حاوی صدها عکس و سند زنده از مداخله امپریالیسم آمریکا و ایادی آن در منطقه و برتری طلبان چین است. در این کتاب بویژه نشان داده میشود که چگونه باند‌های افغانی در پاکستان آموزش می‌بینند و به افغانستان اعزام می‌گردند. پاکستان در ناآرامیهای اخیر تجزیه طلبان در هندوستان هزار مائوئیست‌های چین بوده است و همچنان حضور نظامی خود را در مرزهای هندوستان افزایش میدهد. در سفری که ضیاءالحق در اواسط مهرماه امسال به ایالات متحده کرد، پس از ملاقاتش با جیمی کارتر، رئیس جمهوری آمریکا، تعهدات نظامی آن کشور را در قبال پاکستان، بویژه در چارچوب قرارداد دوجانبه نظامی میان آمریکا و پاکستان، خاطر نشان ساخت. آمریکا، پس از پیروزی انقلاب ایران و از دست دادن ایستگاههای مراقبت نظامی خود در بلوچستان ایران، در خاک پاکستان و در نزدیکی تنگه هرمز به ایجاد ایستگاههای جدید دست زد. هر قدر وابستگی رژیم ضیاءالحق به امپریالیسم آمریکا و بویژه نقش خرابکارانه آن علیه انقلاب و جمهوری اسلامی ایران عیان‌تر می‌شود، ابعاد زیانهای سهمگینی نیز که سیاست خارجی دولت موقت و وزیران خارجه لبرال پس از آن، بروجه و کاربرد امکانات بین‌المللی انقلاب ما وارد آوردند، آشکارتر میگردد. چنانکه میدانیم، یکی از نمونه‌های بارز این سیاست لوث مرزبندی میان دوستان و دشمنان ایران، هم‌نشینی و هم‌گویی با سرسپرده آمریکایی چون ضیاءالحق، زیر نام «اسلام» و «کنفرانس اسلامی» بود. هنوز این گفته وزیران خارجه لبرال را بیاد داریم، که یکی اظهار میداشت: «من اعتقاد ندارم که پاکستان کاملاً وابسته به آمریکاست».

### به حمایت از...

بقیه از صفحه ۱  
تعمیران  
صبح دیروز بازار تهران نیز

به پشتیبانی از روحانیت مبارز و تعطیل بازار قم و مشهد تعطیل شد. عده‌ای از بازاریان در محل مسجد امام خمینی اجتماع کردند و درباره علت تعطیل بازارسختانی

بیان داشتند. یکی از بازاریان تهران علت تعطیل بازار را سخنان تفرقه‌انگیز اخیر، که در مسجد ائمه مطرح شده بود و نیز مسائل مشهد اعلام کرد.

همچنین عده‌ای از بازاریان تهران، ضمن يك راه پیمایی شعار می‌دادند: «روحانی خط امام، بر تو درود بر تو سلام» و نیز «روحانیت می‌رزمه، «ملی‌گرا» می‌لرزه».

راهپیمایان تا جلوی مسجد ائمه به حرکت خود ادامه دادند. در این محل حاج سید تقی خاموشی برای آنان سخنرانی کرد. این گروه از بازاریان سپس بسوی روزنامه اطلاعات رفتند و در جلوی آن قفل‌نامه ۷ ماده‌ای را قرائت کردند.

## ما با تمام قوا از انقلاب ایران جانبداری می‌کنیم و تمام امکانات خود را در اختیار این انقلاب قرار میدهیم

لیبی موافق انقلاب پیشرو در افغانستان است  
گرفتاری ماسلمانان اینستکه اخبار و اطلاعات خود را از خبرگزاریهای استعماری میگیریم

آری، ما باید يك خبرگزاری اسلامی بوجود آوریم. از اینجا من به تمام ملل اسلامی پیشنهاد میکنم که دستگاههای تبلیغاتی را از اختکار استعمارگران غربی بیرون آورند و برای خود يك خبرگزاری جهانی تاسیس کنند. خبرگزاریهای خارجی به انحاء گوناگون علیه ما توطئه میکنند. مثلاً گاهی سکوت اختیار میکنند، چون در این حالت پوشش زیر برف آنها نیست. گاهی دیگر اخبار را نادرست بخش میکنند، زیرا اگر یک کلمه و کسر خیر را منتشر کنند، لطمه می‌بینند. از باب مثال خبرگزاریهای غربی فقط اصل ۱۰ کنفرانس بررسی مذاکلات آمریکا در تهران را مخابره کردند که خواهان حل مشکلات آمریکا و ایران از راه‌های دیپلماتیک است و به بقیه اصلاً که آمریکا را محکوم کرده است، اشاره‌ای نکردند. سفیر لیبی در مورد توطئه «سیا» علیه لیبی، تحت عنوان «ماجرای امام موسی صدر»، گفت: «قبل از هر چیز باید بگویم که امام موسی صدر نه دشمن ما بود، و نه رقیب سیاسی ما. بنابراین از ربودن و مخفی کردن او هیچ سودی برای ما حاصل نمیشود. می‌رسید چرا باید ما موسی صدر را مخفی کنیم یا بکشیم؟ مگر او دست راستی بود که بخوایم از شرس راحت شویم؟ می‌گویند پولی باو داده بودیم که به فلسطین بدهد، و چون پول را به آنها نداد، ما او را از بین برده‌ایم! می‌گویند پولی داده بودیم برای جنوب لبنان، که بمصرف برساند، اما اینکار را نکرد، این حرفها اهانت است برای امام صدر. سپس گفتند که امام مخالف کتاب سبز ما بود، از اینرو او را تصفیه کردیم. مگر ما نیاز به پشتیبانی او داشتیم! استدلال میکنند که ۱۲ زندانی اروپائی امام موسی صدر را در زندان لیبی دیده‌اند. مگر در ۱۷۵۰۰۰ کیلومتر مربع زندان کم داریم که امام را با خارجیان زندانی کنیم! بنابراین همه استدلالهای آنها احمقانه است و هرگز نمیتواند کوچکترین مدرکی دال بر مسئولیت دولت لیبی در اختفای امام موسی ارائه دهند... ما مسئله امام صدر را به دادگستری ایتالیا ارجاع کردیم. دادگستری ایتالیا تأیید کرد که امام از لیبی خارج شده است. در مقابل این تأیید، آنها گفتند که ما دادگستری ایتالیا را زیر فشار و زور قرار داده‌ایم. بنابراین مسئله اختفای امام موسی نیست، مسئله فقط محکوم کردن لیبی است.» از سفیر لیبی پرسیده شد: «درباره فلسطین، اگر دو گروه مبارز، یکی کمونیست و دیگری اسلامی باشند، شما ترجیح میدهید، بکدام يك کمک کنید؟» از همه بدون استثناء پشتیبانی میکنیم. ما تنها کشور عربی بودیم که هرگز از پشت به فلسطینیا خنجر نزدیم.»

سعد مجیر در مورد تأثیر سوء تبلیغات امپریالیستی بر مردم و دولتهای مترقی، گفت: «گرفتاری ما مسلمانان اینست که اخبار و اطلاعات خود را از خبرگزاریهای استعماری میگیریم. دولت آمریکا دشمن شماره يك ماست. این کشور فاجعه فلسطینی را بوجود آورد و تا امروز نیز انواع جنایتها را در حق تمام مسلمانان و اعراب روا می‌دارد. به حمایت از...»



همنان زحمتکش لائوس سرزمین آراه خود را آباد می کنند

شمالی راتارک دید. اواسط سال ۱۳۵۱، هشتاد درصد سرزمین لائوس، که در حدود یک سوم جمعیت آن کشور در آن زندگی می کردند، تحت کنترل نیرو - های مسلح آزادی بخش خلق بود.

بمناسبت پنجمین سالگرد تاسیس جمهوری دمکراتیک خلق لائوس (۱۳۵۴ آذر ۱۱)

که تحت استعمار فرانسه به سر می برد، زیر نافر انقلاب کبیر سوسیالیستی اکثر، نخستین گروه های مارکسیستی پدید شدند و جندی بعد، به رهبری هوشی مین، حزب کمونیست هندوچین را تشکیل دادند. کمیته ایالتی لائوس "در سال ۱۳۱۳ کار خویش را آغاز کرد.

از فتودالیسم و پیدارسالاری پسوی سوسیالیسم تا همین چند سال پیش، لائوس به عنوان کشور "پادشاهی میلیون هافیل و چتر آفتابی سفید" معروف بود.

با وضع سیاسی کشور کلمبیا و سازمانهای مختلف و اشکال گوناگون نبرد مردم آشنا شویم

«دمکراسی باثبات» الیگارشسی کلمبیا

فرآورده مبارزه ای طولانی و سخت در راه وحدت عمل احزاب و گروه های دمکراتیک و انقلابی کلمبیا است. حزب کمونیست کلمبیا بزرگترین و پراکنده ترین سازمان این جنبه است...

نسیا ۴۷ درصد هزینه های ضروری خانواده آنها را تامین می سازد. درآمد بسیاری از دهقانان و کارگران روستایی به مراتب کمتر از حداقل قانونی دستمزدهاست.

رژیم داران کشور کلمبیا اغلب میل دارند که به "دمکراسی باثبات" خود بنزدند و آنرا بر مبنای برای آمریکای لاتین کودتا زده جلوه دهند.

علت نیات سیاسی سیادت الیگارشسی کلمبیا، سن از همه، در این واقعیت باید جستجو کرد که حسن دمکراتیک کلمبیا تاکنون نتوانسته است توان سیاسی و وحدت خویش را تا آن حد گسترش دهد، که به عاملی تعیین کننده تبدیل گردد.

برقرار باد اتحاد همه نیروهای ضد امپریالیستی و دمکراتیک ایران در جبهه متحد خلق

### کارگران چوببری «ابتکار» اراک: احقاق حقوق مستضعفین، یکی از هدفتهای اصلی انقلاب ماست!

چندین کارگاه بزرگ و کوچک چوببری در شهر اراک وجود دارد که در اینجا ما روزی کارگران آنها نیز همچون دیگر زحمتکشانی که در مشکلات و نگرانیهای اقتصادی و اجتماعی، برای آنها، علیرغم مشکلاتشان، برای دفاع از انقلاب و جمهوری اسلامی آماده اند.

برای آشنایی با مشکلات و خواستههای کارگران سری به چوببری «ابتکار» می‌زنیم و در فضایی پرگرمی و رازگاری با کارگران به گفتگویی نشینیم و از زبان خود آن‌ها می‌شنویم:

«کارگران این چوببری به جز چند نفری ثابت نیستند و اغلب بطور موقت در اینجا کار می‌کنند. بهمین دلیل کارفرما می‌تواند سطح دستمزدها را پائین نگه دارد. بعضی از کارگران حتی حداقل دستمزدی را که در قانون کار تعیین شده است نمی‌گیرند. (۳۵۰ ریال) حقوق کارگران موقت حداکثره شومان است. البته حقوق کارگران دائمی کمی فرق می‌کند. اما مسئله مهم اینست که قانون کار در اینجا اجرا نمی‌شود. بطور مثال در هنگام تعطیلات رسمی و جمعه‌ها حقوق ما را پرداخت نمی‌کنند. اگر یک روز مریض شویم و نتوانیم کار کنیم، آخر هفته از حقوقمان کم می‌شود. در همه کارخانه‌ها

چندین کارگاه بزرگ و کوچک چوببری در شهر اراک وجود دارد که در اینجا ما روزی کارگران آنها نیز همچون دیگر زحمتکشانی که در مشکلات و نگرانیهای اقتصادی و اجتماعی، برای آنها، علیرغم مشکلاتشان، برای دفاع از انقلاب و جمهوری اسلامی آماده اند.

برای آشنایی با مشکلات و خواستههای کارگران سری به چوببری «ابتکار» می‌زنیم و در فضایی پرگرمی و رازگاری با کارگران به گفتگویی نشینیم و از زبان خود آن‌ها می‌شنویم:

«کارگران این چوببری به جز چند نفری ثابت نیستند و اغلب بطور موقت در اینجا کار می‌کنند. بهمین دلیل کارفرما می‌تواند سطح دستمزدها را پائین نگه دارد. بعضی از کارگران حتی حداقل دستمزدی را که در قانون کار تعیین شده است نمی‌گیرند. (۳۵۰ ریال) حقوق کارگران موقت حداکثره شومان است. البته حقوق کارگران دائمی کمی فرق می‌کند. اما مسئله مهم اینست که قانون کار در اینجا اجرا نمی‌شود. بطور مثال در هنگام تعطیلات رسمی و جمعه‌ها حقوق ما را پرداخت نمی‌کنند. اگر یک روز مریض شویم و نتوانیم کار کنیم، آخر هفته از حقوقمان کم می‌شود. در همه کارخانه‌ها

### ۲ نفر از کارگران اداره مسکن و شهرسازی اراک اخراج شدند

کارگران اخراجی اداره مسکن و شهرسازی اراک با تجمع در مقابل استانداری اراک، خواستار رسیدگی به وضع خود شدند.

در بهار سال جاری اداره مسکن و شهرسازی اراک تعداد دوپست نفر را استخدام کرده بود که بتدریج بسیاری از آنها را اخراج کردند. چندی پیش حدود هفتاد نفر از کارگران باقیمانده نیز اخراج شدند.

مسئولین اداره علت اخراج کارگران را، رکود ماندن کارها به خاطر فصل زمستان دانستند. این کارگران روز دوشنبه دوازدهم آبان‌ماه در مقابل استانداری اراک تجمع کردند و خواستار رسیدگی به وضع خود شدند. یکی از کارگران در مورد علت اخراج گفت:

«مادر حدود دوپست نفر بودیم که بهار امسال استخدام شدیم. تاکنون بیشتر همکارانمان را اخراج کرده‌اند. فقط ما هفتاد نفر باقی مانده بودیم، که ما را نیز اخراج کردند.»

وی در ادامه صحبت‌هایش گفت:

«الان زمستان است و کار پیدا نمی‌شود. در تابستان حاضر شدیم با حقوق نسبتاً کم در این جا کار کنیم، تا زمستان هم کار داشته باشیم. به اداره کار مراجعه کردیم تا به وضع ما رسیدگی کنند. در اداره کار به ما گفتند: کارفرما باید حقوق پانزده روز را بدهد، ولی کارفرما می‌گوید: باید استنادی هم تأیید کند. برای همین موضوع به این محل آمده‌ایم.»

یکی دیگر از کارگران گفت:

«ما کارگران همیشه بیشترین شهید را در راه انقلاب داده‌ایم. در حال حاضر نیز از همکاران ما چندین نفر به جبهه رفته‌اند. ولی در اداره‌ها اصلاً به وضع ما رسیدگی نمی‌کنند.»

کارگر دیگری نیز گفت:

«نی‌دانم چرا حالا که باید همه ما بیشتر از همیشه کار کنیم، تا احتیاجی به خارجی‌ها نداشته باشیم، به ما کار نمی‌دهند و یابی کارمان می‌کنند.»

در این زمینه، متأسفانه نمونه کم توجهی به تامین شغلی کارگران کم نیست. برای رفع این نقیصه است که ضرورت تام دارد:

«قوانین کارگری همسود کارگران تدوین شود و به مرحله اجرا درآید.»

کارگران باید پس از استخدام شدن این اطمینان را داشته باشند که پس از مدتی بدون ایجاد کار جدید و بدون تامین حقوقشان، اخراج نمی‌شوند. باید این تضمین به کارگران داده شود که حقوق قانونی آن‌ها تا تعیین کار جدید محفوظ است.

### باید از تعطیل شدن کارخانه‌ها و کاهش تولید جلوگیری کرد

شرایط حساس کنونی میهنمان با هرگونه کم کاری و پائین آمدن سطح تولید، مغایرت دارد و لازمه رسیدن به پیروزی در جنگ و تامین احتیاجات مبرم جامعه، سعی در برکنار گرفتن حداکثر امکانات برای تولید بیشتر است.

تعطیل شدن هرکارخانه و کم شدن تولید در هر مرکز تولیدی، مشکلاتی را افزون بر مشکلات دیگر خواهد بود، که می‌تواند ضربه‌ای بربنیان های انقلاب باشد.

یکی از کارخانه‌هایی که پس از انقلاب دچار رکود شده و تولید آن کاهش یافته است (تأخیری که دیگر تولیدی ندارد) ماشین سازی پارس واقع در کیلومتر سه جاده اراک - تهران است. این کارگاه یکی از سه کارگاه شرکت ماشین سازی پارس را تشکیل می‌دهد و اسکلت فلزی تولید می‌کند. (این شرکت در سه شهر تهران - اهواز و اراک شعبه دارد.)

این کارخانه پیش از انقلاب حدود شصت تا هفتاد تن تولید داشت. در حالیکه پس از انقلاب، این مقدار به ۳۰ تا ۴۰ تن کاهش یافت و در حال حاضر نیز تقریباً تولیدی ندارد.

علت اصلی کاهش تولید فقدان تقاضای ساختن اسکلت فلزی است زیرا طرحهای عمرانی و صنعتی منطقه پایان یافته و طرح جدیدی نیز در دست اقدام نیست.

علاوه بر این، باید از عدم مدیریت صحیح نیز یاد کرد که با وجود امکانات عظیم کارخانه، تاکنون اقدامی برای رفع بیکاری و ادامه تولید کارخانه صورت نگرفته است.

در این کارخانه دوپست و چهار کارگر و کارمندان کم هستند، که در حال حاضر مشغول کار بر روی قرارداد های گذشته هستند. ولی این قراردادها نیز روبه تمام است. در یک کلام کارگران را بیکاری تهدید می‌کند. بنابراین بجز در این کارخانه بطور رسمی ۳۵ ساعت کار در هفته اعلام شده است.

در شرایطی که کشور احتیاج به بازسازی و نوسازی دارد و هر روز نیز به این نیاز افزوده می‌شود، می‌توان و باید از اینگونه کارخانه‌ها استفاده کرد. بر مسئولین است که با اقدامات سریع و قاطع در زمینه تغییر تولید محصولات آن، برای ساختن اسکلت فلزی ساختمانهای مورد احتیاج و ضروری مانند بیمارستانها، دبستانها، دبیرستانها، مجتمع‌های مسکونی، ورزشگاهها، مخازن آبرسانی روستاها، دکلهای فشار قوی و غیره، از این واحدها استفاده کنند و از تعطیل شدن آن جلوگیری بعمل آورند. اقداماتی نظیر:

- نظارت بر کارخانه‌ها، چگونگی مدیریت آنها، نظارت بر چگونگی تولید کارخانه‌ها و استفسار از مسئولین مربوطه، استفاده از امکانات این واحدها برای ترمیم و بازسازی خرابی‌های ناشی از جنگ و ایجاد ساختمانهای جدید بنا به نیازهای جامعه،

- جلوگیری از اقدامات نسنجیده و غیر منطقی مسئولین، مانند نمونه این کارخانه، که با اعلام کردن ۳۵ ساعت کار در هفته بطور رسمی می‌تواند احتمالاً باعث اعتراض کارگران ساپرکارخانه‌ها شود و برنامانی‌های موجود در آن بزند.

وسن آخر این که، تعطیل شدن هرکارخانه و مرکز تولیدی ضربه‌ای است به انقلاب، گامی است در جهت وابستگی به امپریالیسم و تضعیف جبهه انقلاب در برابر توطئه‌های ضد انقلاب. این حقیقتی است که باید پذیرفت و از هر عملی که در جهت آن صورت گیرد، باید جداگانه اجتناب ورزید.

**کارگران مبارز ایران! در یک دست با ابزار کار و در دست دیگر با اسلحه، از میهن انقلابی دفاع کنید**

تمام وجود آماده دفاع از انقلاب و جمهوری اسلامی و مبارزه با توطئه‌ها و حملات دشمنان انقلاب هستند، از دولت نیز خواستهای بحق برای بهبود زندگی خود دارند، که باید به یمن خواستهای جامعه عمل پوشاند. خواسته‌هایی که مبارزات آن تاکنون به آزادی بسیاری از زندانیان سیاسی کلمبیا، از جمله آلوارو و اسکس، کومنیست معروف کلمبیایی، انجامیده است.

«کمیته دفاع از حقوق انسانی» همچنین در زمستان سال گذشته دولت کلمبیا را وادار ساخت که به کمیسیون بین‌المللی آزادی «عفو بین‌المللی» اجازه دهد تا در آن کشور به بررسی نقض حقوق بشر بپردازد. دولت کلمبیا برای نخستین بار مجبور شد اذعان کند که در این کشور آمریکایی لاتین حقوق ابتدائی مردم نقض می‌گردد.

مبارزه مسلحانه دهقانان کلمبیا

در برخی از نواحی روستایی کلمبیا به ویژه در استان‌های اکاتا، هویلا، تولیما، بوپاکا و کوردوبا یعنی در یک پنجم خاک کلمبیا دهقانان به مبارزه مسلحانه مشغولند. بزرگترین سازمان چریکی کلمبیا «نیروهای مسلح انقلابی کلمبیا» «فارک است» که از «حزب کومنیست کلمبیا» رهنمود می‌گیرد. علاوه بر این، سازمان‌هایی از جمله «ارتش آزادی ملی» («آر.ا.ا.») و «ارتش آزادی خلق» («ا.ا.ا.») نیز در جنگ‌های پارتیزانی شرکت دارند. «ارتش آزادی خلق» سازمانی است مائوئیستی، که بر اثر انتصابات بی‌دری اینک به گروهی کم‌اهمیت تقلیل یافته است. به گفته ماتالانا، زرنال سابق، «فارک» توانسته است در ده سال گذشته مناطق رزم خود را از ۲ به ۱ برساند و «از همیستکی مردم این مناطق» برخوردار است. پیکار مسلحانه دهقانان در کلمبیا دارای سنی دیرینه است و ریشه‌های آن را می‌توان در دوران «بولونیا»

تاریک می‌شود، برای همین وقت نداریم به بسیج خود را فراموش نکرده‌ایم. محکم کردن پشت جبهه نیز خود کار مهمی است. علاوه بر این ما تصمیم گرفته‌ایم در ماه یک روز از حقوقمان را برای کمک به جبهه بپردازیم. هر چند برویم، اما وظیفه خود را فراموش نکرده‌ایم. محکم کردن پشت جبهه نیز خود کار مهمی است. علاوه بر این ما تصمیم گرفته‌ایم در ماه یک روز از حقوقمان را برای

### با وضع سیاسی کشور

بقیه از صفحه ۳

اعضای سندیکاها، ساکنان محلات کارگری و فقیر نشین و کمیته‌های آنها، دانشجویان، دکان‌داران و دهقانان شرکت و برای پیشبرد منافع مشترک خویش مبارزه کردند. رهبری این گونه اعتصابات به دست کمیته‌هایی است، که از نمایندگان آزادی خواهان، محافظه‌کاران، کومنیست‌ها، سوسیالیست‌ها، دمکرات‌ها و مسیحیان تشکیل می‌شوند. سندیکاهای عضو سی.اس.تی.سی در این اعتصابات همیشه نقشی تعیین‌کننده به عهده داشته‌اند.

نخستین اعتصاب ملی ۲۳ شهریور ۱۳۵۶ کلمبیا به رهبری چهار کانون بزرگ سندیکایی این کشور نشان داد که جنبش اعتصابی کارگران کلمبیا چه ابعاد وسیع بوده‌ای می‌تواند حائز گردد. در این اعتصاب ۱/۳ میلیون کلمبیایی شرکت کردند و نزدیک به پنجاه درصد فعالیت‌های اقتصادی کشور را فلج ساختند. اعتصابیون علیه‌گرانی، وضع اضطراری و برای افزایش عمومی دستمزدها به میزان پنجاه درصد و آزادی سندیکایی به اعتراض برخاستند.

اعتصاب ملی ۱۳۵۶، علیرغم آن‌که به هدف‌های خود دست نیافت، اما مدگی مردم را برای شرکت در جنبش اعتراضی تقویت بخشید. در سال‌های بعد از این اعتصاب، کارفرمایان مجبور شدند که تا حدی از مقاومت خود در برابر خواست‌های حقه کارگران

بگاهد.

سندیکاهای کلمبیا هم‌اکنون دومین اعتصاب ملی خود را برای پایان سال میلادی جاری تدارک می‌بینند. این اعتصاب، که هدف آن اعتراض به گرانی توافرها و «آئین نامه امتی» اعلام شده است، بدون شک، در تحولات سیاسی کلمبیا در ماه‌های آینده بی‌تأثیر نخواهد ماند.

«کمیته دفاع از حقوق انسانی»

وسیع‌ترین ائتلاف دمکرات‌های کلمبیا علیه «آئین‌نامه امتی»، وضع اضطراری و موارد نقض حقوق بشر ناشی از آن، «کمیته دفاع از حقوق انسانی» است. این کمیته طیف وسیعی از ترقیخواهان و نیروهای مردمی کلمبیا را، با عقاید مختلف ایدئولوژیک و سیاسی، دربر می‌گیرد. در رهبری این کمیته چهار کانون سندیکایی پیشگفته، چند اتحادیه کارگری دیگر و انجمن‌های گوناگون، اعضای «فرمس»، «حزب کومنیست کلمبیا»، گروه سوسیالیستی پی‌اس‌تی، «آناپوی راست»، «آناپوی چپ»، «حزب محافظه‌کار» (آلفردو واسکس کاربوسا، وزیر خارجه پیشین کلمبیا) و شخصیت‌های نامداری چون گابریل گارسیا مارکز، آلوارو تیرادو مخیا، کسوتلو آزاخونوخرا، خیم کخانو کابالرو، شرکت دارند. در بهار سال ۱۳۵۸، «کمیته دفاع از حقوق انسانی کلمبیا یک» گروه‌هایی ملی برگزار کرد، که انعکاس بین‌المللی نیز در پی داشت. برای وقوف به موفقیت‌های این کمیته یادآور

می‌شویم که مبارزات آن تاکنون به آزادی بسیاری از زندانیان سیاسی کلمبیا، از جمله آلوارو و اسکس، کومنیست معروف کلمبیایی، انجامیده است.

«کمیته دفاع از حقوق انسانی» همچنین در زمستان سال گذشته دولت کلمبیا را وادار ساخت که به کمیسیون بین‌المللی آزادی «عفو بین‌المللی» اجازه دهد تا در آن کشور به بررسی نقض حقوق بشر بپردازد. دولت کلمبیا برای نخستین بار مجبور شد اذعان کند که در این کشور آمریکایی لاتین حقوق ابتدائی مردم نقض می‌گردد.

مبارزه مسلحانه دهقانان کلمبیا

در برخی از نواحی روستایی کلمبیا به ویژه در استان‌های اکاتا، هویلا، تولیما، بوپاکا و کوردوبا یعنی در یک پنجم خاک کلمبیا دهقانان به مبارزه مسلحانه مشغولند. بزرگترین سازمان چریکی کلمبیا «نیروهای مسلح انقلابی کلمبیا» «فارک است» که از «حزب کومنیست کلمبیا» رهنمود می‌گیرد. علاوه بر این، سازمان‌هایی از جمله «ارتش آزادی ملی» («آر.ا.ا.») و «ارتش آزادی خلق» («ا.ا.ا.») نیز در جنگ‌های پارتیزانی شرکت دارند. «ارتش آزادی خلق» سازمانی است مائوئیستی، که بر اثر انتصابات بی‌دری اینک به گروهی کم‌اهمیت تقلیل یافته است. به گفته ماتالانا، زرنال سابق، «فارک» توانسته است در ده سال گذشته مناطق رزم خود را از ۲ به ۱ برساند و «از همیستکی مردم این مناطق» برخوردار است. پیکار مسلحانه دهقانان در کلمبیا دارای سنی دیرینه است و ریشه‌های آن را می‌توان در دوران «بولونیا»

# دوستان و دشمنان انقلاب در روستاها

دهقانان زحمتکش و حقیقت طلب دشمن آشتی ناپذیر بزرگ مالکان هستند و آمادگی کامل دارند تا این چرتومه فساد را در روستاها ریشه کن کنند. فعالیت های موثر و بزرگ روستائیان اطراف مرودشت بمنظور تقویت جبهه جنگ، نشان دهنده ایمان و اعتقاد راسخ زحمت کشان روستا به انقلاب است. چند نمونه از آن خود گویاست:

روستائیان اطراف مرودشت کمک های مالی زیادی برای مبارزان جبهه جنگ فرستاده اند. در روستای قشلاق و درنیان، که فقط ۷۰۰ نفر جمعیت دارد، یک یتر خاور برنج، قند، پتو، ملافه و دیگر مواد مصرفی ضروری جمع شده است.

زنان روستا کله قندها را در سینی گذاشته، تحویل مأمورین جهاد سازندگی میدادند و مأمورین جهاد، در حالیکه از شادی اشک میریختند، کمک های مالی را جمع میکردند.

در روستای آتابک نیز، با اینکه دهقانان درگیر یک برخورد مسلحانه با ایادی مالک هستند، کمک مالی به جبهه را فراموش نکردند. در روستای مادر سلیمان زنان با علاقه زیادی برای رزمندگان جبهه جنگ نان می پزند.

با توجه به عمق توطئه بزرگ مالکان در این لحظه حساس و سرنوشت ساز و با توجه به آمادگی همه جانبه دهقانان زحمتکش در روستاها برای محو بزرگ مالکی - که اکثر زمین هایشان غصبی است - هیئت های هفت نفری همچنان امکان دارند که بمنظور تقویت هر چه بیشتر پشت جبهه و نیز جبهه انقلاب، قانون اصلاحات ارضی را بسود دهقانان بی زمین و کم زمین اجرا کنند. فعالیت بزرگ مالکان آشکارا ضد انقلابی است. تخریب کشت و نابودی تلمبه ها و درگیری مسلحانه با دهقانان و ایجاد کانون تشنج بازترین نمونه آن است. باید جلوی آن گروه از روحانی نمایان را که بنام شرع و اسلام میخواهند اسلام راستین را بی آبرو کنند، گرفت و پسه لیبرال ها نیز، که در تنگاتنگ دفاع از منافع سودجویانه طبقاتی خویش و حفظ بساط غارتگری و سازش تدریجی با امپریالیسم، میخواهند عمر شوم بزرگ مالکی را ادامه دهند، نباید اجازه خرابکاری داد.

هیئت های هفت نفری که فعالیت مردمی و انقلابی مهمی در راه اجرای قانون انجام میدهند و همچنین نهادهای انقلابی، که خواستار اجرای قانون هستند، چون سپاه پاسداران و جهاد سازندگی می توانند در تشخیص زمین های غصبی یعنی اکثر زمین های اربابی نقش مهمی ایفا کنند. همه انقلابیون باید حملات موزیانه عمال بزرگ مالکان را علیه این نهادها دفع کنند و با قطع دسیسه های اربابان پشت جبهه را تحکیم نمایند.

همه اینها رابطه مستقیم و فوری با جنگ دارد. ما که با امپریالیسم آمریکا و عمال خارجی او در نبرد هستیم، نمیتوانیم مار در آستین ببریم و به عمال داخلی امپریالیسم آمریکا امکان و اجازه دهیم که همچنان در کار انقلاب خرابکاری کنند. آمریکا نقشه براندازی جمهوری اسلامی ایران را میخواهد پیاده کند. فعلا از خارج، با استفاده از عامل جنایتکارش صدام، و از داخل با استفاده از پایگاه منحوسش بزرگ مالکی. برای فردا هم نقشه های دیگر دارد، که از هم اکنون باید هشیارانه آماده مقابله باشیم.

اجرای کامل قانون اصلاحات ارضی و تقویت هیئت های هفت نفری تا پایان کار آنها کاملا ضروری است. الفای کامل بساط بزرگ مالکی، که در غصبی بودن تصرف زمین هایشان بزور، به زن یا به تزویر شکی نیست، و واگذاری کلیه زمینها به دهقانان تبه دست یک امر حیاتی برای انقلاب ما و برای پیروزی در جنگ است. نه فقط در جنگ کنونی علیه صدام، بلکه در نبردهای آینده علیه توطئه های پیاپی امپریالیسم آمریکا. این کار برای تقویت پشت جبهه و تامین محصول کافی در داخل کشور نیز ضرورت حیاتی دارد. اگر واقعا میخواهیم فرمان امام خمینی را دایر بر جهاد کشاورزی و تولید محصول هر چه بیشتر عملی کنیم، نمیتوانیم لانه فساد و غارت و تخریب بزرگ مالکی را باقی بگذاریم. مقامات مسئول اعلام کرده اند که هیئت های هفت نفری همچنان میتوانند اقدام بکنند و مشرئمر باشند و از هم اکنون در نقاط مساعد طرح دنبال خواهد شد. در نمونه روستاهای آتابک و مرودشت میتوان مواضع دوستان و دشمنان انقلاب در روستاها را دید. برای پیروزی انقلاب در این عرصه حیاتی نیز اتخاذ روش قاطع علیه دشمنان انقلاب و ستون پنجم دشمن، یعنی بزرگ مالکان و حمایت بی دریغ از دوستان و حافظان انقلاب، یعنی دهقانان زحمتکش، کاملا لازم و غیر قابل اجتناب است.

**بزرگ مالکان، ستون پنجم دشمن، و دهقانان زحمتکش، حافظان انقلاب هستند.**  
**برای تقویت جبهه و پشت جبهه قانون اصلاحات ارضی را اجرا کنید!**

آتابک حمله کردند و یازده تلمبه را از کار انداختند. دهقانان آتابک به سپاه پاسداران مراجعه کردند. از آنجا که سپاه در حال آماده باش بود، آنها را به ژاندارمری فرستاد. ولی مسئولین ژاندارمری زرقان به آنها گفتند که باید با پرداخت مال الاجاره، مالک را راضی کنند و با او کنار بیایند.

این بود نمونه ای از فعالیت های مخرب بزرگ مالکان. اما دهقانان زحمتکش، که همگام با سایر مردم کشورمان در پیروزی انقلاب سهم بسزایی داشتند و همواره با تمام وجود از آن حفاظت کرده اند، اینک که توسط امپریالیسم آمریکا جنگی بر ما تحمیل شده است، خود و فرزندانشان، به انواع طرق، اعم از شرکت مستقیم در جنگ و افزایش تولید و کسب های نقدی و جنسی به جبهه، از انقلاب پاسداری میکنند.

بزرگ مالکان ستمگر، بعنوان یکی از پایگاه های امپریالیسم از ابتدای انقلاب تا کنون همواره کوشیده اند، تا انقلاب بزرگ و شکوهمند میهنمان را تضعیف کنند و به خیال خام خود به شکست بکشانند. آنها از لیبرال های همدست خود و از روحانی نمایان همگامه خود در این راه استفاده کرده اند. اربابان در هر توطئه ای علیه انقلاب شرکت فعال داشته اند. یا چماق داران و تفنگ چی های خود را برای ایجاد محیط رعب و تشنج فرستاده اند، یا کشت دهقانان را تخریب کرده اند. از آغاز جنگ تجاوزی و خائنه رژیم صدام نیز، بزرگ مالکان همراه با سایر توطئه گران و ضد انقلابیون تلاش کرده و میکنند که، با تضعیف پشت جبهه، به تحقق توطئه علیه جمهوری جوان و انقلابی اسلامی ایران یاری رسانند. گزارش زیر، از روستای آتابک کربال، گوشه ای از این فعالیت های مخرب بزرگ مالکان را نشان میدهد:

در جریان انقلاب، دهقانان زحمتکش آتابک کربال به مبارزه با مالک این ده برخاستند. سال گذشته دهقانان توانستند با کمک سپاه پاسداران زمینها را برای خود بکارند و هیچ بهره مالکانه ای نپردازند. موقع برداشت گندم ایادی مالک کوشیدند دهقانان را بترسانند، ولی دهقانان آتابک، با اقدامات سنجیده، متحداً و با یاری نهادهای انقلابی، توانستند بر آنها غلبه کنند.

اکنون که مردم ما درگیر جنگ علیه امپریالیسم آمریکا و رژیم دست نشانده صدام هستند و سپاه پاسداران امکانات کافی برای رسیدگی به مسائل دهقانان را ندارد، مالک موقعیت را غنیمت شمرده و عده ای از ایادی خود را بطور مسلحانه برای خرابکاری به روستای آتابک فرستاد. دارورسته مالک از روستای حسین آباد به دهقانان

## دهقانان نیروی اصلی پشت جبهه را دریابید

روستای آسیان، در جاده ساوه - آبکرم واقع است. جمعیت این روستا در حدود ۹۰ خانوار است، که از مسائل اولیه زندگی بی بهره اند. تنها حمام این روستا خزینهای است، اما یک دبستان ابتدائی دارد. در این روستا از آب، برق، درمانگاه، پزشک و دارو خیری نیست. مسجد این روستا، پس از زلزله ای که در بوئین زهرا و اطراف رخ داد، ساخته شده است. این روستا شورا دارد و اعضای شورا عبارتند از روحانی روستا، کدخدا و چندین ریش سفید ده.

شورای ده وظیفه سنگینی دارد. شورای ده با اختیارات رسمی که دارد و بودجه و امکاناتی که مقامات دولتی باید در اختیارش بگذارند، باید بفکر مسائل دهقانان باشد و پشت جبهه را تقویت کند. مقامات دولتی باید برفع مشکلات تولیدی و معیشتی کمک کنند، وسائل ضروری تولید و حداقل شرایط زندگی را بدست شوراها ده و پاکمک نهادهای انقلابی در اختیار دهقانان قرار دهند. این خود، در شرایط حساس کنونی، برای تحکیم پشت جبهه و پیروزی بردشمن اصلی آمریکا و عامل مزدورنش صدام اهمیت فراوان دارد.

## دهقانان قریه گلدسته: در جبهه، بار و بارویی علیه دشمن خونخوار و در پشت جبهه با کشت محصول، تاپیروزی کامل مبارزه می کنیم

دهقانان مبارز قریه گلدسته، طی نامه ای به شورای عالی دفاع و سپاه پاسداران - انقلاب (رونوشت برای جراید کشور) آمادگی خود را برای دفاع از انقلاب و جمهوری اسلامی ایران اعلام داشتند. در این نامه برشور، دهقانان با اعلام آمادگی خود چنین می نویسند:

شورای عالی دفاع ملی  
سپاه پاسداران  
جراید محترم کشور  
ما دهقانان گلدسته، همانطور که در مدت دو سال عمر انقلاب شکوهمند اسلامی ایران به پیروی و رهنمود رهبر کبیرمان امام خمینی در کاشت محصولات کشاورزی با دل و جان پذیرا و لحظه ای از این تلاش مقدس - در راه مبارزه با آمریکا جهانخوار و تمام کشورهای سرسپرده آن که ما را تحریم اقتصادی کردند یا توجه به امکانات محدودمان دریغ ننمودیم و با تمام توان در این راه کوشی کرده و اکنون که کشورمان مورد تجاوز وحشیانه صدام و آمریکای خون آشام قرار گرفته ما باردیگر آمادگی خود را اعلام میداریم که حاضریم همراه فرزندان انقلاب اسلامی پاسداران و ارتش جمهوری اسلامی کشورمان برای دفاع از انقلاب اسلامی و کشور عزیزمان تاپای جان چه در جبهه رویاروی با دشمن خونخوار و چه در پشت جبهه با کشت محصول غله به مبارزه بر علیه ضد انقلابیون خارجی و داخلی تا پیروزی کامل ادامه دهیم و جان برکف منتظر دستورات آن مقام محترم میباشیم. باشد

تا در این مقطع تاریخ ما همسهم کوچکی در کندن گور امپریالیسم و خدمت به جمهوری اسلامی ایران عزیز داشته باشیم - پیروز باد انقلاب اسلامی ایران - مرگ ساوه

**بخش عمده ارتش بیست میلیونی را دهقانان زحمتکش تشکیل میدهند.**  
**دهقانان! فوراً به بسیج مستضعفین مراجعه کنید و دستورهای آنرا عملی سازید**

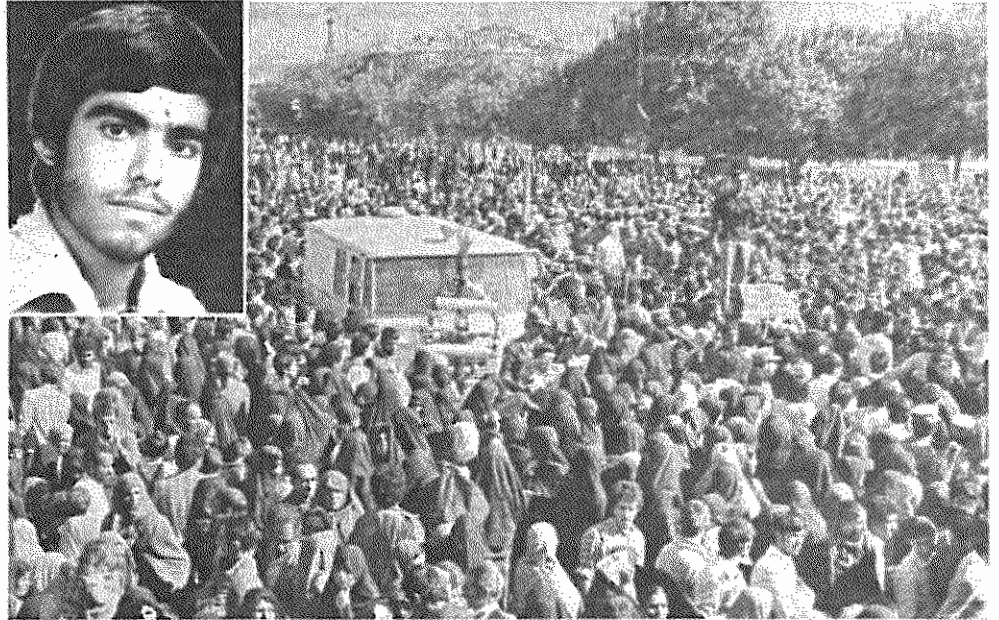
نامه مردم: دهقانان ایران در مبارزات خود علیه بزرگ مالکی و بقایای فئودالیسم نقش برجسته ای در سرنوشت پایگاه داخلی امپریالیسم ایفا کرده اند. آنها امروز نیز با اعلام آمادگی برای دفاع از انقلاب و جمهوری اسلامی ایران باردیگر نشان میدهند که دستاورد انقلاب شکوهمند ما یعنی قانون اصلاحات ارضی را که نویدبخش رهایی دهقانان از قید بزرگ مالکی و در جهت تحکیم جمهوری اسلامی ایران، تعمیق انقلاب و تثبیت آزادی واقعی دهقانان است مانند مردمک چشم خود گرامی میدارند. برای تحکیم انقلاب و تثبیت مواضع آن در پشت جبهه باید با اتکال به نیروی توده دهقانان زحمتکش هر چه زودتر پایگاه بزرگ مالکی دشمن انقلاب را نابود ساخت.





# پیکر گلگون رفیق شهید حجت ذوالفقاری همراه با شهید دیگر خلق، در شیراز بر شانه‌های خلق تشییع شد

★ مردم شیراز در مراسم تشییع جنازه شهید، که با حضور دسته موزیک ارتش و سپاه پاسداران انقلاب اسلامی انجام شد، فریاد میزدند:  
- آمریکا دشمن ماست، خمینی رهبر ماست!



پیکر گلگون رفیق قهرمان، شهید توده‌ای، حجت ذوالفقاری، همراه با پیکر خونین سرباز وظیفه، شهید کاردانی و شهید دیگر، در زادگاهشان شیراز، بر شانه‌های خلق تشییع شد. در این تشییع جنازه رسمی، دسته موزیک ارتش و سپاه پاسداران انقلاب اسلامی شرکت داشتند. روز جمعه نهم آبان ۵۹ مردم شیراز، پیکر گلگون ۷ شهید را بر شانه‌های خویش تشییع کردند و نشان دادند که جانبازان راه انقلاب، آنها که جان خویش

را نثار رهائی وطن می‌کنند، چه حجت ذوالفقاری توده‌ای باشند و چه سرباز کاردانی مسلمان، شهیدای خلقتند. تشییع جنازه ۷ شهید راه وطن از شاهچراغ شیراز آغاز شد. انبوهی از مردم در این مراسم شرکت داشتند و جنازه شهید را که در پرچم ایران پوشانده شده بود، بر شانه‌های خویش می‌بردند. پیکر خونین رفیق قهرمان، شهید توده‌ای، حجت ذوالفقاری، پیشاپیش در حرکت بود و چون دیگر شهیدان، در پرچم ایران پوشانده شده بود. تاج گل بزرگی در جلوی جنازه شهید حرکت داده میشد، که بر سینه آن، تصویر بزرگی از رفیق شهید دیده میشد. چشمان رفیق شهید از عشق به انقلاب و وطن شعله می‌کشید و با نگاهی، که شقایق و خورشید بود، با خلقتی که جان خویش را نثارشان کرده، وداع می‌گفت. توده‌ها بانگ می‌زدند:

این گل بر سر ماست، خمینی رهبر ماست  
هزاران دست بر تابوت گل و کلاب می‌ریخت. صدای توفانی خلق یکدم خاموش نمیشد:  
این سند جنایت امریکاست پیرزنان می‌گریستند و اشک و شعار دردم آمیخت. این خروش خلق قهرمانی بود که هزاران شقایق خونین را نثار انقلاب کرده بود:  
آمریکا دشمن ماست، خمینی رهبر ماست  
پیشاپیش پیکر گلگون نو- شقایق خونین توده‌ای، خانواده او در حرکت بودند. پدر زحمت- کس رفیق حجت، با سری افراشته کام بر میداشت و در نگاهش، حجت بسوی خورشید پر می- کشید. برادران هم‌رمز حجت با قامت‌های استوار حرکت میکردند، خواهر رفیق شهید فریاد میزد و خلق پاسخش میداد:  
برادر قهرمان، راحت ادامه‌دارد اشک در چشمانش تاب می- خورد، اما فرو نمی‌ریخت. نیروی شکستی اشک را به گل لبخند

تبدیل می‌کرد. این صدای حجت بود:  
اگر مردم، گریه نکنید. نه، گریه نکنید. من به راه خلقتم، به راه حزیم، به راه وطن میروم. گریه نکنید. راه مرا ادامه دهید. وقتی پیکر خونین شهید را در قطعه شهیدای گورستان شیراز بخاک می‌سپردند، هم‌زمان او زندگینامه کوتاه رفیق قهرمان را برای حاضران چنین تصویر کردند:

«رفیق قهرمان، حجت ذوالفقاری در ۲۹ خرداد ۱۳۲۹، در یک خانواده کارگری در آبادان به دنیا آمد. پدرش نفتگر بود. او در سال ۱۳۵۷ به حزب توده ایران پیوست و در سال ۱۳۵۸ به شیراز رفت. رفیق حجت عضو کمیسیون کارگری حزب بود. به سوادآموزی در کارخانه‌ها و فروش تشریه می‌پرداخت. او بعد از آغاز جنگ، بدنبال فراخوان کمیته مرکزی حزب توده ایران، بلافاصله به جبهه خونین شمر رفت. از اولین روزهای نبرد در یاز به جبهه رفت. رفیق قهرمان روز ۲۹ آبان، هنگام رساندن یک مجروح مسلمان به بیمارستان، مجروح شد. در همان لحظات اول گلوله دشمن یک دستش را قطع کرد. او در حالیکه سراپا در آتش و خون غرق بود، فریاد میزد:

زنده باد حزب توده ایران!  
در بیمارستان هم یک لحظه فریاد خروشان او قطع نمیشد: زنده باد حزب طبقه کارگر ایران!  
رفیق شهید در شب آخر حیات کوتاه و پربارش، به مادر خود گفت:

«من از مرگ نمی‌ترسم. اگر مردم، گریه نکنید. سیاه نشوید. خوشحال باشید. راه مرا، که همان راه حزب من است، ادامه دهید.»  
و رفیق قهرمان، سرانجام، در سحرگاه سوم آبان ۵۹، جان خویش را نثار انقلاب کرد.»

# تلاش امپریالیسم امریکا برای تشکیل یک پیمان نظامی تجاوز کار جدید در منطقه خلیج فارس دستیاری رژیم ضد خلقی عربستان سعودی و دیگر رژیمهای دست نشانده

پیمان نظامی تجاوز کار سنتو که در نتیجه پیروزی تاریخی انقلاب شکوهمند مردم ایران فروداشید، ضربه جبران ناپذیری به نقشه‌های نظامی - استراتژیکی امپریالیسم امریکا در این منطقه وارد ساخت. با پیروزی انقلاب ایران و استقرار نظام جمهوری اسلامی که در نتیجه آن امپریالیسم امریکا بزرگترین پایگاه نظامی خود را در ایران، از دست داد، در تناسب نیروها در این منطقه از جهان بفرغ نیروهای استقلال طلب و ضد امپریالیستی و بزبان نیروهای ارتجاعی و وابسته به امپریالیسم تغییر بنیادی روی داد. پی آمدهای این تغییر بنیادی میتواند به سلطه امپریالیسم امریکا و رژیمهای ضد خلقی و وابسته به آن در این منطقه پایان بخشد و موقعیت و مواضع نظامی - استراتژیکی جهانی امپریالیسم را بمقیاس جهانی با شکست‌های جبران ناپذیر تازه‌ای مواجه سازد.

از سوی دیگر جنایت رژیم سادات به منافع خلقهای عرب و سیاست تسلیم طلبانه وی در برابر امپریالیسم امریکا و اسرائیل که به امضای موافقت نامه‌های کمپ دیوید منجر گردید، موجب تشکیل جبهه پایداری کشورهای عربی در برابر تجاوز اسرائیل و نقشه‌های توسعه طلبانه آن و امپریالیسم امریکا شد. امپریالیسم امریکا پس از تحمیل موافقت نامه‌های کمپ دیوید، تلاش نمود به کمک رژیم سادات و دیگر رژیمهای ضد خلقی و دست نشانده خود در این منطقه در مقابل جبهه پایداری و دیگر نیروهای مستقل ملی این منطقه پیمان نظامی تجاوز کار جدیدی تشکیل دهد اما تلاشهای امریکا در این زمینه ناموفق ماند. پس از پیروزی انقلاب شکوهمند در مین ما وزارت دفاع امریکا به بهانه دفاع از منافع ایالات متحد امریکا و در واقع با هدف تهدید و مداخله نظامی و تجاوز به جمهوری اسلامی ایران به تدارکات جنگی پرداخته در این منطقه پرداخت واحدهای بزرگی از نیروی دریایی و هوایی و ناوگان جنگی و ناوهای هواپیمابر خود را به این منطقه گسیل داشت و در آبهای خلیج فارس و تنگه هرمز و مناطق نزدیک به سواحل ایران متمرکز نمود. این نیروهای بی سابقه نظامی امپریالیسم امریکا نه تنها انقلاب و جمهوری اسلامی ایران بلکه امنیت و استقلال دیگر کشورهای مستقل را در این منطقه تهدید میکند.

اینک که توطئه‌های امپریالیسم امریکا علیه انقلاب و جمهوری اسلامی ایران یکی پس از دیگری با شکست فضاحت بارور و گردیده، و تجاوز نظامی خائنانه رژیم صدام جنایتکار که به تحریک و توطئه امپریالیسم امریکا انجام گرفته، در نتیجه مقاومت و فداکاریهای قهرمانانه مردم مین ما دورنمای شکست قطعی نقشه‌های این رژیم خیانت پیشه رانمایان میسازد. فرماندهان نظامی امریکادرسدبر آمده‌اند، طرح ایجاد پیمان نظامی تجاوزی در این منطقه را، این بار به دستیاری عربستان سعودی و دیگر حکام سرسپرده امریکا عملی سازند.

شاهزاده نایف بن عبدالعزیز وزیر دفاع عربستان سعودی اعلام کرد، قرار است عربستان سعودی با پنج شیخ نشین خلیج فارس برای تضمین امنیت و ثبات منطقه (۱) یک موافقت نامه امنیتی امضاء نمایند. وزیر دفاع عربستان سعودی که اکنون از کشورهای منطقه خلیج فارس دیدن میکند و با سران این کشورها مسئله جنگ عراق و ایران و اثرات آن بر امنیت منطقه را مورد بررسی قرار میدهد، طی مصاحبه‌ای با روزنامه کویتی اظهار داشت موافقت نامه‌های امنیتی با کویت، بحرین، قطر، امارات متحد و سلطان نشین عمان امضاء خواهد شد.

بدون تردید اظهارات وزیر دفاع عربستان سعودی و دیدار وی از کشورهای منطقه خلیج فارس اجرای ماموریتی است که از جانب کاخ سفید و وزارت دفاع امریکا بر عهده رژیم عربستان سعودی برای تدارک مقدمات تشکیل پیمان نظامی جدید امریکا در این منطقه گذارده شده است. اظهارات «بنین» در یاسالار آمریکایی در این زمینه این مطلب را بخوبی روشن میکند. در یاسالار آمریکایی اظهار داشت هیچ چیز مانع آن نیست که در این منطقه (منطقه خلیج فارس) یک سازمان نظامی و سیاسی در همان سطح و با همان نفوذی که پیمان ناتو دارد، تشکیل شود. وی افزود منافع استراتژیکی امریکا ایجاب میکند که در اقیانوس هند یک ناوگان دریایی برای استقرار دائمی ایجاد نماید.

بدین ترتیب روشن میشود که وزیر دفاع عربستان سعودی و در یاسالار آمریکایی هر دو درباره یک مطلب سخن میگویند و آن اینکه ایالات متحد امریکا بدنبال گسترش تدارکات جنگی و توسعه حضور نظامی خود در این منطقه درصدد تشکیل یک پیمان نظامی تجاوز کار جدید در این منطقه است که تمام رژیمهای ضد خلقی و وابسته به امپریالیسم امریکا در آن شرکت داشته باشند و هدف این پیمان دفاع از منافع سیاسی و اقتصادی و نظامی امریکا و ستیزه جوئی و توطئه و تجاوز علیه رژیمهای مستقل ملی و جنبشهای رهائی بخش خلقها در این منطقه باشد.

برای مقابله با تجاوز نظامی امریکا، تمام خلق باید از نظر نظامی مجهز شود



حزب کمونیست پرتقال  
برای حفظ دستاوردهای  
انقلاب تلاش می‌کند

در اجتماع بزرگی که از طرف حزب کمونیست پرتقال در لیسبن برپا شد، آوارو گونیال رهبر حزب کمونیست پرتقال و همچنین کارلوش بریتو نامزد این حزب برای انتخابات ریاست جمهوری کشور سخنرانی کردند. گونیال در سخنانی از جمله گفت: «مهمترین وظیفه نیروهای دمکراتیک کشور شکست ژنرال سوارش - کارتیرو نامزد گروههای حاکم راست است.» گونیال گفت: «پیروزی ژنرال رامالیو اینس رئیس جمهوری کنونی می‌تواند شکستی برای راستگرایان باشد و تلاشهای گروههای حاکم راستگرا را برای از بین بردن دستاوردهای انقلاب و روند دمکراسی سد کند.» گونیال افزود: «اینش در جهت برنامه - های خود، برای حفظ دستاوردهای انقلاب و قانون اساسی بطور نسبی تلاش کرده است.»

کارلوش بریتو نماینده حزب کمونیست پرتقال نیز در سخنان خود از جمله گفت: «حزب کمونیست باین دلیل نامزد انتخاباتی معرفی کرده است تا در مبارزه شرکت کرده و مسائل را برای مردم تشریح نماید و افکار عمومی را برای شکست نامزد گروههای راست بسیج کند.» بریتو گفت: «شکست ژنرال کارتیرو از اهمیت درجه اول برخوردار است زیرا کلونیرو با فاشیستها علیه نیروهای انقلابی همکاری کرده است.»

کمک مالی  
به حزب توده  
ایران یک وظیفه  
انقلابی است

کاوه کریم ۱۰۰۰۰ ریال  
خانم کوکب یک سکه ربعی  
ندا کوچولو ۱۰۰۰۰ ریال  
جدی از انگلستان ۲۲۱۰۰ ریال  
نشریات پیک ایران ۱۵۰۰۰ ریال  
سازمان بانه ۵۰۰۰۰ ریال  
م.م آموزگار ۳۰۰۰ ریال  
بهدخت از جنوب ۱۰۰۰۰ ریال  
خسرو رضائی از سوئد  
م. ا. از سوئد ۳۸۰۰ ریال  
بهرام کارگر راه آهن ۱۲۰۰ ریال

علاقتمندان می‌توانند کمک مالی خود را بخصاب بانکی به نام تقی کیمنش وبه شماره ۳۲۳۲ شعبه ۴۱۸ بانک ملی ایران (شعبه شاه اسماعیل صفوی)، خیابان شهید دکهن حسین قاضی بپردازند.

شماره ۷ دنیا  
ضمیمه  
نامه مردم  
انتشار یافت

نامه مردم  
ارگان مرکزی حزب توده ایران

دارنده امتیاز  
و مدیر مسئول:  
منوچهر بهزادی  
خیابان ۱۶ آذر شماره ۶۸  
(دفتر نامه مردم)  
هنوز در اختیار  
نامه مردم نیست

NAMEH  
MARDOM  
No. 384  
2 December 1980

Price:  
West-Germany 0.80 DM  
France 2 Fr.  
Austria 8 Sch.  
England 20 P.  
Belgium 10 Fr.  
Italy 350 L.  
U.S.A. 40 Cts  
Sweden 1.50 Skr.

خوانندگان گرامی نامه مردم و همه مقامات دولتی و غیر دولتی میتوانند به آدرسی زیر با نامه مردم مکاتبه کنند:  
صندوق پستی ۴۱/۳۵۵۱ منطقه ۱۴ پستی تهران